

کتاب ایوب

جلسه دهم: پسران خدا و شیطان

نوشته جان والتون

این دکتر جان والتون و آموزه‌های او در مورد کتاب ایوب است. این جلسه دهم، پسران خدا و شیطان است.

گزارش چلنجر [۱:۰۳-۰۰:۲۳]

بنابراین، صحنه معروف در بارگاه‌های آسمانی آشکار می‌شود. خداوند از چالشگر می‌خواهد که گزارش خود را ارائه دهد. چه چیزی پیدا کرده‌اید؟ باز هم، این صرفاً مکالمه‌ای است که وضعیت را برای ما روشن می‌کند. این به نوعی بیان خدا نیست که نمی‌داند چه اتفاقی دارد می‌افتد. او چالشگر را مأمور کرده است که برود و چیزهایی را کشف کند و آنها را بیاورد. و بنابراین، چالشگر نقش تعیین‌شده را ایفا می‌کند و خداوند در حال جمع‌آوری اطلاعات است. این کاری است که هر پادشاه خوبی انجام می‌دهد. بنابراین، این وضعیت را با این شرایط ترسیم می‌کند.

سوال بی‌طرفانه در مورد پارسایی [۱:۰۳-۲۷:۲۲]

چالشگر همانطور که قبلاً اشاره کردیم، این مورد را مطرح می‌کند. عالی است، به کاری که برای ایوب انجام داده‌اید نگاه کنید. همه اینها را به او داده‌اید. و او می‌گوید که شما دور او و خانواده‌اش، هر آنچه که دارد، حصاری کشیده‌اید. شما کار دستانش را برکت داده‌اید تا گله‌ها و رمه‌هایش در سراسر سرزمین پخش شوند. اما بله، شما کار را برای او بسیار آسان کرده‌اید؛ اما آیا ایوب خدا را بی‌هدف خدمت می‌کند؟ ما قبلاً این را مطرح کرده‌ایم. این مورد، عدالت بی‌غرضانه است، یعنی عدالت بدون منفعت شخصی. آیا ایوب خدا را بی‌هدف خدمت می‌کند؟ این چالش درست به قلب اصل قصاص و همزیستی بزرگ، اصطلاحاتی که در مورد آنها صحبت کردیم، ضربه می‌زند. و این کتاب در نهایت اصلحیه‌ای برای همه اینها خواهد بود.

آیا ایوب خدا را «نفرین» خواهد کرد؟ [۲:۲۷-۵۲:۳]

بنابراین، ما با این چالش روبرو هستیم: ایوب چگونه به رنج و اکنش نشان خواهد داد؟ به یاد داشته باشید که ما در مورد ایوب به عنوان شاهد برجسته برای دفاع، دفاع از سیاست‌های خدا صحبت کردیم. نحوه واکنش او برای تعیین اینکه آیا برکت دادن به افراد صالح یک سیاست قابل قبول است یا خیر، مهم خواهد بود. حال، چالشگر پیشنهاد می‌کند که ایوب رو در رو خدا را نفرین خواهد کرد. ما در مورد این اصطلاحات قبل از برکت دادن و نفرین کردن در هر جای کتاب ایوب ۱ و ۲ صحبت کرده‌ایم، جایی که متن در مورد نفرین کردن خدا در ترجمه‌ها صحبت می‌کند؛ کلمه عبری که استفاده شده فعل عبری "باراک" است که به معنای برکت دادن است. بنابراین، دوباره، در این زمینه‌ها، در فصل اول، آیه ۵، آیه ۱۱، فصل دوم، آیات ۵ و ۹ در این زمینه‌ها، باراک، که به معنای مبارک است، به صورت حسن تعبیر برای اشاره به نفرین استفاده می‌شود. و در فصل اول

آیه ۱۰ و آیه ۲۱ به عنوان "مبارک" ترجمه شده است. این استفاده از حسن تعبیر، یک ترکیب عجیب ایجاد می‌کند زیرا چالشگر ادعا می‌کند که ایوب رو در رو خدا را مبارک خواهد خواند، به معنای نفرین، اما در مقابل، ایوب در آیه ۲۱: خدا را مبارک می‌کند، به معنای برکت. و بنابراین، هنگام مطالعه متن، نوعی بازی با کلمات بسیار جالب ایجاد می‌کند. و تصمیم اینکه آیا باراک یک حسن تعبیر است یا اینکه در واقع به معنای «مبارک» است، به متن جمله بستگی دارد.

[بلائیای شدید ۳:۵۲-۴:۳۵]

البته، وقتی به چلنجر آزادی عمل داده می‌شود، یک تراژدی در پی دارد. دشمنان انسانی وجود دارند. عذاب الهی از آسمان نازل می‌شود. چیزی که می‌توان آن را یک فاجعه طبیعی نامید، همه به سرعت پشت سر هم رخ می‌دهند، باز هم، این واقعیت که همه مناطق تحت پوشش قرار گرفته‌اند، همه آنها فاجعه مطلق به بار می‌آورند. اینکه "فقط من فرار کرده‌ام" که آنها به سرعت پشت سر هم می‌آیند، بخشی از تصویر افراطی است. همه چیز باید ناگهانی و کامل باشد تا کل تصویر کتاب به درستی ترسیم شود.

[پاسخ ایوب ۴:۳۵-۵:۵۰]

در مقابل، به واکنش‌های ایوب نگاه می‌کنیم. اول از همه، او درگیر اعمال رایج سوگواری می‌شود. و بنابراین آنچه برای ما شرح داده شده است را داریم. سجده پاسخی به کاری قابل توجه است که خداوند انجام داده و نشان دهنده تصدیق و پذیرش است. و بنابراین، ایوب در برابر خداوند سجده می‌کند. دوباره توجه کنید، او این را عمل خداوند می‌داند، نه عمل مستقل یک عامل شیطانی. او سخنان خود را با دعای برکت به نام خدا به پایان می‌رساند. "برهنه، از رحم مادرم بیرون آمدم، برهنه، خواهم رفت. یهوه داده است، یهوه گرفته است. نام یهوه ستایش باد" جالب است که اینجا از زبان ایوب نام یهوه به کار رفته است، با این حال در تمام سخنرانی‌ها و گفت‌وگوها، تا زمانی که به سخنرانی‌های یهوه در فصل ۳۸ نمی‌رسیم، هرگز از یهوه استفاده نشده است. ایوب همیشه از خدا به عنوان ال یا الوهیم یا ال شدای یاد می‌کند، و هرگز از یهوه استفاده نکرده است، مگر در اینجا در مقدمه و سپس در سخنرانی‌های یهوه.

[بازی برکت/نفرین با کلمه باراک 5:50-7:20]

رقیب گفت که نام خدا را نفرین خواهد کرد. سخنرانی ایوب با دعای خیر برای نام خدا پایان می‌یابد. اما این دقیقاً همان کاری است که رقیب گفت انجام خواهد داد و در عین حال دقیقاً برعکس. چالش این است که او متکبر خواهد بود و او متکبر می‌شود. بنابراین همان چیزی است که رقیب گفت، اما برعکس. خب؟ چون رقیب از آن به عنوان یک حسن تعبیر استفاده می‌کرد، ایوب رو در رو خدا را متکبر می‌کند، اما بدون هیچ معنای حسن تعبیری. ایوب

خدا را به پاسخگویی فرا نمی‌خواند. چه خدا بدهد و چه نگیرد، باید او را ستایش کرد. خدا هیچ بدهکاری به ما ندارد.

این یک واکنش تحسین‌برانگیز و ستودنی است. البته متوجه خواهیم شد که ایوب در طول کتاب نمی‌تواند این نوع واکنش خالص را حفظ کند. اما در ابتدا آسان‌تر از آن است که با گذشت زمان. فکر می‌کنم بسیاری از ما این را اینگونه می‌یابیم. وقتی با موقعیت‌های دشوار طولانی روبرو می‌شویم، قوی بودن در ابتدا کمی آسان‌تر است، اما با گذشت زمان اوضاع بدتر می‌شود. کتاب به ما می‌گوید "که در تمام این موارد، ایوب با متهم کردن خدا به خطا گناه نکرد." با این حال، او خدا را کسی می‌دانست که این کار را انجام داده است، اما به دنبال پاسخگو کردن خدا نیست.

اطلاعات پنهان: صحنه آسمانی [9:39-7:20]

حال، در استراتژی بلاغی کتاب، این صحنه اول در بهشت چگونه عمل می‌کند؟ خب، اول از همه، به ما نشان می‌دهد که ایوب واقعاً بی‌گناه از خطا است. همانطور که قبلاً اشاره کردم، این صحنه پاسخ‌های معمول خاور نزدیک باستان را حذف می‌کند. این صحنه جایی برای راحل‌های جدید ایجاد می‌کند تا در مورد موقعیت متفاوت فکر کنیم. باز هم، همه افراط و تفریط‌ها آن فضا را برای بررسی ایجاد می‌کنند. باز هم، به ما نشان می‌دهد که ایوب در حال محاکمه نیست. صحنه در بهشت سیاست‌های خدا را هدف قرار می‌دهد. ایوب فقط مورد آزمایش است.

همچنین متوجه می‌شویم که صحنه‌ی بهشت، مفهوم اطلاعات پنهان را معرفی می‌کند. به یاد داشته باشید که نه ایوب و نه دوستانش، هرگز از این صحنه در بهشت باخبر نخواهند شد. هرگز به آنها گفته نخواهد شد که چه اتفاقی افتاده است. آنها هرگز هیچ توضیحی در مورد آنچه که همه اینها را ایجاد کرده است، نخواهند داشت. آنها هرگز نخواهند دانست. و بنابراین، در این صورت، به ایوب هیچ دلیل یا پاسخ یا توضیحی ارائه نمی‌شود. و بنابراین، ما از قبل می‌بینیم که اطلاعات پنهان چگونه در کتاب نقش خواهند داشت. متوجه می‌شویم که خدا هم مکالمه را آغاز کرد و هم روند عمل را تأیید کرد. او مسئولیت آن را بر عهده می‌گیرد. و بنابراین، دوباره، متوجه می‌شویم که چالشگر، به سادگی، از نظر روایی، یک کاتالیزور برای این مجموعه شرایط خاص است که آشکار می‌شود خود صحنه‌ی بهشت از دانش ایوب حذف شده است. و بنابراین، آنجا نیست که به ما به عنوان خوانندگان، دلیلی پشت صحنه بدهد که بتوانیم خودمان خدا را پاسخگو بدانیم یا او را ارزیابی کنیم. بلکه، همه آن چیزها را از تصویر بیرون می‌کشد تا بتوانیم در مورد این ایده که چگونه در مورد خدا فکر می‌کنیم، بحث کنیم.

سیاست‌های خدا را نمی‌توان به یک معادله تقلیل داد [۱۰:۱۶-۹:۳۹]

ایوب بر اساس اصل مکافات فکر می‌کرد. او فکر می‌کرد که اعمال خدا را می‌توان به یک معادله ساده تقلیل داد. بسیاری از مردم امروز هم همین فکر را می‌کنند. این همیشه یک اشتباه است. بنابراین، صحنه در بهشت، این صحنه اول، سناریو را باز کرده است، اما هنوز تمام نشده است. صحنه دومی در بهشت وجود دارد و ما در بخش بعدی در مورد آن صحبت خواهیم کرد.

این دکتر جان والتون و آموزه‌های او در مورد کتاب ایوب است. این جلسه 10، پسران خدا و شیطان است

[10:16]